

Tuesday, August 06, 2019
9:50 AM

برهان رازقیت خداوند در قرآن کریم

حسین کریمی^۰

چکیده

«روزی» کلمه فارسی است که به خوراک روزانه و ضروریات زندگی اطلاق شده است و معادل عربی آن واژه رزق است که شامل نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود. رزق در اصطلاح علمای کلام به شیء قابل بهره‌برداری و غیر قابل منع و موهبت الهی استعمال شده است، هرچند عده‌ای در معنی آن قائل به توسعه شده‌اند. یکی از مهم‌ترین برهان‌ها در قرآن کریم برهان رازقیت خداوند است که ملازم با خالقیت می‌باشد. رازقیت نیز فقط منحصر در خداست و در قرآن کریم به انواع رزق حلال و حرام، تکوینی و تشریحی، رزق حسن و کریم و نیز به فلسفه تفاوت روزی‌ها و گستره رزق خداوند اشاره شده است. در این نوشتار به عوامل افزایش روزی مانند تقوی، انفاق و سعی و تلاش و کاهش روزی مثل طغیان، سرکشی و بخل در انفاق اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: رزق، روزی، رزاق، رازقیت، خالقیت، انواع رزق، قرآن کریم.

^۰ دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس

مقدمه

یکی از موضوعات بسیار مهم قرآنی مسئله رزق و برهان رازقیت خداوند است. موجودات همواره نیازمند دریافت انواع و اقسام روزی هستند تا بتوانند نیازهای خویش را در حوزه‌های مختلف برآورده کنند. حتی انسان‌ها در وجود خویش نیازمند توجه و التفات پروردگار خود در نقش ربوبی و خالقیت می‌باشند و لحظه‌ای خداوند التفات خویش را از انسان‌ها بگیرد، نیست و نابود می‌شوند. بر اساس معارف اسلامی همه چیز از مقام ربوبی سرچشمه می‌گیرد و به عنوان رزق و روزی در فرهنگ قرآنی و اسلامی تلقی می‌شود، لذا همواره رزق و روزی از جانب خداست چه در بُعد مادی و یا معنوی. از این رو مقام رازقیت منحصر به خداست. هر چند در نظام احسن خداوندی رزق و روزی هر کس طبق ظرفیت و شایستگی‌های او مشخص و معین است، ولی در فرهنگ قرآنی و اسلامی عواملی وجود دارد که موجب افزایش و کاهش روزی می‌شود. این نوشتار درصدد بررسی برهان رازقیت خداوند متعال و بررسی عوامل افزایش و کاهش روزی می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی رزق

روزی واژه‌ای فارسی است که به معنای خوراک روزانه روزبه‌روز به کسی داده می‌شود و قسمت او می‌گردد و نیز در ضروریات زندگی به کار رفته است. (دهخدا، واژه رزق) معادل کلمه «روزی» در عرب واژه «رزق» است که به معنای خوراک روزانه موهبت، نصیب و بهره به کار رفته است. راغب در مفردات می‌گوید: روزی گاهی به معنای عطای چیزی گفته می‌شود خواه دینوی خواه اخروی و گاهی به نصیب و بهره از چیزی رزق اطلاق می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰) در مجمع البیان، رزق را در مقابل محرومیت معرفی می‌کند. رزق و بخشش نقیض محرومیت است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۲۱) جوهری در صحاح، رزق را به معنای آنچه مورد بهره‌برداری قرار گیرد معنا کرده‌اند. (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۴۸۱؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۵) اگر چند این تعریف شامل نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود ولی بحث در این نوشتار رزق مادی است.

«رزق» در اصطلاح متکلمین امامیه به معنای شیء قابل بهره‌برداری و غیر قابل منع به کار رفته است. خواجه نصیر در تجرید الاعتقاد در بیان معنی رزق می‌نویسد: رزق چیزی است که می‌توان از آن بهره‌برداری کرد و کسی نمی‌تواند از آن منع کند. (حلی، ۱۴۰۷ق: ۴۳۹)

شیخ طوسی در کتاب الاقتصاد و محقق حلی در کتاب المسلك فی اصول الدین همین تعریف را بیان کرده‌اند (طوسی، بی تا: ۱۰۴؛ محقق حلی، ۱۳۷۳: ۱۱۳) از نظر علامه رزق موهبت الهی است که بدون عوض و استحقاق داده می‌شود. این واژه ابتدا در خوراکی‌ها استعمال شده بعداً در معنای آن توسعه داده شده و به تمام چیزهایی که مورد بهره‌برداری انسان قرار می‌گیرد، مانند مال، جاه فامیل علم و غیره اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۴۴)

مانند این آیه: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ یا از ایشان مزدی مطالبه می‌کنی و مزد پروردگارت بهتر است و اوست که بهترین روزی دهندگان است. (مؤمنون: ۷۲)

از نظر اشاعره رزق هرگونه خوراک حلال یا حرام است که به انسان می‌رسد (جرجانی، ۱۳۲۵ق: ۱۷۲)

از نظر معتزله رزق موهبتی است که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و حرام قابل منع نیست شامل خوراکی و غیره می‌شود. از این‌رو بهره‌برداری حرام و علوفه چهارپایان که قابل منع از آنان است رزق محسوب نمی‌شود. (همان)

از بیان معنی اصطلاحی مذکور چنین به دست می‌آید که رزق به شیئی گفته می‌شود که قابل بهره‌برداری و استفاده باشد و کسی نتواند از آن منع کند که طبق بیان علامه رزق به معنای عطا، هبه و بخشش است که از طرف خالق رزق به انسان داده می‌شود و هر چند بعضی در معنی رزق قائل به توسعه شده‌اند هر نوع بهره‌برداری را رزق می‌گویند.

با توجه به تعریف اصطلاحی رزق و قید قابلیت بهره‌برداری از آن این نکته به دست می‌آید که رزق غیر از دارایی هر کس و ثروت است. چه بسا ثروتمندی که به دلایل متعدد نتواند از دارایی خود استفاده کند و چه بسا انسانی که از موهبت‌های فراوان بهره‌مند است اما مالک آنها نیست. آن دارایی غیر قابل استفاده رزق ثروتمند نیست اما این موهبت مورد استفاده رزق انسان غیر مالک است. رزق هر کس به میزان برخوردارگی استفاده عمل از امکانات امری واقعی و غیر قراردادی است. فرزندان به جای آنکه به امور اعتباری و میزان دارایی خود دل‌خوش کنند به امور واقعی و میزان برخوردارگی‌هایشان می‌اندیشند. علامه حلی می‌گوید رزق ملک نیست زیرا چهارپایان مالک چیزی نیستند اما روزی می‌خورند و خداوند متعال مالک همه چیز است ولی هیچ چیز رزق او محسوب نمی‌شود و نیز علم و فرزند رزق ماست ولی ملک ما شمرده نمی‌شود. (حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۴۵)

۲. برهان رازقیت خداوند

عطای رزق و نعمت و منع آن فقط با اراده خداوند است. طبق بیان قرآن کریم، عموم نعمت‌ها از آن خداوند است نه غیر او، پس تنها رازق رزق اوست و احدی در رازقیت شریک او نیست. آن‌گاه از این طریق رازقیت استدلال کرده به ربوبیت خداوند و سپس بر مسئله معاد، چنان که می‌فرماید: «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (فاطر: ۲)

معنای آیه اینکه آنچه خداوند از نعمت‌هایش (ارزاق) را به بندگانش می‌دهد در همه عالم کسی نیست که بتواند جلوی آن را بگیرد و بالعکس آنچه را به بندگانش دریغ کند و ندهد کسی نیست که بدهد چون معنی آیه این است مقتضای ظاهر آیه این بود که بفرماید «ما يرسل الناس» هم‌چنین در جمله دوم فرمود: «فلا مرسل» و لکن این طور نفرمود و به جای «یرسل»، «یفتح» آورد تا اشاره کند به اینکه رحمت خداوند خزینه‌ها دارد و در جمله «و ما یمسک فلا مرسل له من بعده» تعبیر به بعد از او اشاره به اینکه خدای تعالی در منع اول است همان طور که در اعطا هم اول است و جمله «عزیز حکیم» می‌رساند که هرگز شک وجود ندارد که نه در وقت اعطا کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد و نه در وقتی که منع می‌کند. برای اینکه عزیز و غالب است. خلاصه کلام اعطا و منع همه از روی حکمت است، به دلیل اینکه او حکیم است.

استدلال به یگانگی خداوند در ربوبیت با بیان اینکه فقط او خالق است هم چنانکه در جای دیگر این معنی را به صراحت بیان کرده از آن جمله فرمود: «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ». (ص: ۹) و معلوم است که تعبیر به گشودن درب خزینه از تعبیر به ارسال مناسب‌تر است و لذا تعبیر به فتح کرد تا بفهماند آن رزقی که خداوند به مردم می‌دهد در خزانه‌های مخزون است و محیط مردم و بهره‌مند شدن از آن خزانه‌ها و نیاز به این است که خداوند درب آن خزانه‌ها را به رویشان بگشاید نه اینکه در نقطه دوری باشد تا از آنجا به سوی مردم ارسالش بدارد و اگر رزق و یا تعبیر به رحمت کرد برای این بود که دلالت کند بر اینکه افاضه حق تعالی ناشی از رحمت است و بس؛ و توقع هیچ سود و کمالی را برای خود ندارد و نه می‌خواهد از افاضه نعمت به بندگان سود ببرد. تأمین روزی برای موجودات دلالت بر وجود خالق حکیم و مدبری کریم می‌نماید که این پیش‌بینی و تأمین از عهده تصادف کور یا طبیعت بی‌شعور خارج است. خداوند متعال هر موجودی را آفریده است متناسب او رزق و روزی وی را قرار داده است مانند انسان که در دوره جنین، شیرخوارگی و دوران غذاخوری روزی او را به نحو احسن تأمین نموده که فرموده است: «وَ فَاكِهَةً وَ اَبًا مَتَاعًا لَكُمْ وَ لَا تَعْمَلُكُمْ». (عبس: ۳۲-۳۱)

۳. ارتباط رازقیت خداوند با خالقیت

از آیات قرآنی کاملاً استفاده می‌شود همان طوری که خداوند متعال تنها آفریننده جهان است و تنها روزی‌رسان هم می‌باشد، چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُوَفِّكُونَ» (فاطر: ۳)

اینکه در آیه بر ربوبیت خداوند استدلال می‌کند و بیان استدلال اینکه اله و معبود تنها بدین جهت معبود است که دارای ربوبیت است و معنای ربوبیت این است که ما شک در تدبیر امور مردم و همه موجودات نداریم کسی که مالک تدبیر امور مردم است و همه نعمت‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهد خداوند است زیرا پدیدآورنده همه نعمت‌ها تنها خدا است و خلقت هم منفک از تدبیر نیست، پس هرگز خدای متعال از تدبیر منفک نمی‌باشد بنابراین تنها خدای متعال اله شماس است و هیچ اله دیگری جز او نیست چون او پروردگار شماس است و با این نعمت‌ها در آن غوطه ورید و او شما را تدبیر می‌کند. با این بیان که برای حجت مزبور ذکر شد روشن شد که مخاطب در آیه وثنی‌ها و غیر وثنی‌ها می‌باشد برای اینکه برای خدا شریک قائل شده‌اند و در جمله «واذکروا نعمت الله علیکم»، مراد از ذکر، ورد زبانی نیست بلکه مقابل نسیان و به معنای یاد داشتن است و مراد از رزق در جمله «هل من خالق غیر الله» هر چیزی است که بقای هستی مرزوق را امتداد می‌دهد که مبدأ آن آسمان و زمین است.

آسمان با اشعه نورانی و بارانهایش و زمین با گرفتن آن اشعه و بارانها و رویدن گیاه و چون سایر پدیده‌هایش در آیه اختصارگویی لطیفی به کار رفته است. چون اولاً رقمی که در آیه قبلی بود برداشته به جایش نعمت را آورده و ثانیاً همین کلمه نعمت را مبدل به رزق کرده با اینکه مقتضای سیاق دو آیه این بود که بفرماید «هل من رازق» یا «هل من منعم» هیچ یک از این تعبیرها را نیاورده و جای همه فرموده: «هل من خالق» تا اشاره‌ای با شد به برهان دوم برهانی که خصومت و لجاجت را از میان می‌برد زیرا مشرکان تدبیر عالم را کار اله خود می‌دانند و می‌گفتند این اله هستند که به اذن خدا عالم را اداره می‌کنند و اگر از آنها پرسیده شوند آیا رازق و منعمی غیر از خدا وجود دارد؟ خصومت و نزاع خاتمه پیدا نمی‌کند ممکن است بگویند بله اله رازق و منعم هستند چون خدا تدبیر عالم را به آنها واگذار کرده است ولی اگر پرسیده شود آیا خالق غیر از خدا است؟ دیگر چاره ندارند جز اعتراف به توحید زیرا به وصف خالق اشاره شده است به اینکه رازق و مدبر تنها خداست کسی که خالق است رازق هم می‌باشد و غیر خالق نمی‌تواند رازق باشد. در نتیجه خصومت از میان می‌رود و دیگر نمی‌توانند بگویند اله هم خالق‌اند چون خود مشرکین اعتراف دارند به اینکه غیر از خدا کسی خالق نیست تا بتوانند از آسمان و زمین رزق ایشان را برسانند. چنان که در

آیه دیگری می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُعِينُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يُفْعَلُ مِنْ دَلِكُمْ مَن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید سپس به شما روزی بخشید آنگاه شما را می‌میراند و پس از آن زنده می‌گرداند آیا در میان شریکان شما کسی هست که کاری از این قبیل کند منزّه است او و برتر است از آنچه با وی شریک می‌گردانند.» (روم: ۴۰)

در اینکه خداوند متعال نعمت روزی را پس از نعمت آفرینش بیان می‌کند، عنایت به دو گونه آفرینش است که در عین جدایی از یکدیگر کاملاً به هم مربوط می‌شوند و یکی نیاز دیگری را برطرف می‌کند. آفرینش انسان چیزی است و آفرینش نباتات و مواد غذایی چیز دیگری، ولی در عین حال دومی برطرف کننده نیاز اولی است و این کار حکیمانه خود دلیل و برهان بر وجود خالق حکیم دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۲۹۲)

به هر حال، قرآن در صدد بیان این مطلب است که خداوند رازق است همچنان که خالق می‌باشد و ثانیاً تنها او رازق می‌باشد، جز او رازقی نیست و تنها هم او شایسته پرستش می‌باشد و فرد دیگری غیر از او صلاحیت عبودیت را ندارد.

۴. انحصار رازقیت به خداوند

بر اساس دلایل عقلی و نقلی فراوان، رزق و روزی همه جانداران به ویژه انسان توسط خداوند تضمین شده است و به هر طریق ممکن به آنان می‌رسد، چنان که در سوره ذاریات روزی‌دهنده تنها خداوند معرفی شده است: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»؛ همانا خداوند بسیار روزی‌دهنده و صاحب نیروی استوار است. (ذاریات: ۵۸)

آنچه از این آیه حاصل می‌گردد این است که رزق در حقیقت جز به خدای متعال نسبت داده نمی‌شود، زیرا مقام حصر است منحصر کردن رازقیت در خدا حصر که به واسطه ضمیر فصل و خبر محلی به الف و لام است. علامه طباطبایی می‌فرماید: اگر با صیغه میا لغه تعبیر کرده با اینکه ظاهر سیاق اقتضا داشت که بگوید خدا خودش رازق همه است برای این است که وقتی تنها خدا متعال رازق باشد رزاق هم خواهد بود، زیرا روزی‌خوارانش بی‌شمارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۵۸۵) و از آنجا که رزق به غیر خدا نسبت داده شده مانند آیه شریفه «وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵) از مال سفیهان به اندازه نیاز شان به آنها روزی و پو شاک بدهید از قبیل نسبت غیر حقیقی است یعنی سبب به جای مسبب قرار گرفته چنانچه که ملک و عزت به حسب ذات از آن خداست و برای غیر خدا به و سیله اعطا و اجاره او ست، پس خدا تنها رازق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۴۶)

۵. انواع رزق

الف) رزق حرام و رزق حلال

در یک تقسیم‌بندی، رزق به دو نوع حلال و حرام تقسیم می‌شود. رزق حرام، به رزقی گفته می‌شود که از طریق نامشروع و خلاف نظر دین به دست آمده باشد چنان که در سوره نساء می‌فرماید:

«وَأُولَ الْأَيْتَامِ أَمْوَالُهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا؛ اموال بد [خود] را با اموال خوب [یتیمان] تبدیل نکنید و اموال آنها را با اموال خودتان [به وسیله مخلوط کردن یا تبدیل نمودن] نخورید، زیرا این گناه بزرگی است. (نساء: ۲)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل [نامشروع] نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است. (نساء: ۲۹)

طبق بیان آیات شریفه، رزق حرام مصادیق فراوانی دارد که مصداق بارز آن خوردن مال یتیم و اکل به باطل می‌باشد.

رزق حلال به رزقی گفته می‌شود که از طریق مشروع و طبق نظر دین به دست آمده باشد چنان که درباره رزق حلال می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَآكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَتَلْتَبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و وسایل زینتی برای پوشش از آن استخراج نمائید و کشتی‌ها را می‌بینید که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید) و از فضل خدا بهره‌گیرید شاید شکر نعمت‌های او را بجا آورید. (نحل: ۱۴)

«وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ أَيْمَانُهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا؛

و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان (خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی) غذا بخورید و همچنین خانه‌های پدران یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عمه‌ها یا خانه‌های عمه‌ها یا خانه‌های دایی‌ها یا خانه‌های

خاله‌هایتان یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شما است یا خانه‌های دوستانتان بر شما گناهی نیست که به‌طور دسته‌جمعی یا جداگانه غذا بخورید. (نور: ۶۱)

در این ارتباط رسول اکرم ﷺ فرموده: «العبادة سبعون جزءاً و افضلها طلب الحلال» (مجلسی، ۱۳۵۷، ج: ۱، ۱۰۲) عبادت هفتاد بخش است و بهترین آن طلب حلال است. همچنین حضرت فرموده است: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (همان) طلب روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است و درباره رزق حرام فرموده‌اند: «من کسب مالا من غیر حله کان زاده الی النار»؛ هر کس مالی را از غیر حلال به دست آورد همان مال، توشه او به سوی آتش دوزخ است. (همان)

طرح سؤال

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر روزی دهنده هر بنده خداست و آنکه از راه حرام کسب می‌کند گناهکار است، چگونه خداوند نسبت گناه روزی او را به خود می‌دهد و حال آنکه به حسب عقل و نقل هر نسبت گناهی از خدا نفی شده است و او منزّه است از اینکه چیزی را نفی کند و راه رزق را در آن منحصر کند؟

پاسخ

جواب این سؤال این است که رازقیت عامی که در قرآن بیان نموده، حسب تکوین است نه تشریح، زیرا همه چیزهایی را که موجودات در این عالم از آن بهره می‌برند خداوند آفریده و راه استفاده از آنها را برای انسان با موجودات دیگر مقرر فرموده است، پس خداوند رازق همه است؛ مؤمن باشد و کافر، متقی باشد و یا فاجر، ولی حسب تشریح، خداوند مقرر فرموده است که این مواهب را از راه مشروع یعنی مطابق دستور او به دست آورند و به طریق مشروع هم مصرف کنند و در این صورت است که رزق به صفت حلال متصف می‌گردد و هرگاه از طریق نامشروع به دست آورند و مصرف کنند به صفت حرام متصف می‌گردند، از این جهت روا نیست به خدا نسبت داده شود هر چند به حسب تکوین و آفرینش هر دو از خداوند است.

ب) رزق تکوینی و رزق تشریحی

ضمن توضیح رزق حلال و حرام به این مطلب اشاره شد که چون خداوند، خالق همه موجودات است روزی آنها را بر عهده گرفته است. چنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»؛ جنبنده‌ای در روی زمین نیست جز اینکه روزی او بر خداست و جای ثابت و متغیر آن را هم می‌داند. (هود: ۶)

خداوند در عالم وجود هر موجودی را آفریده نیاز به تأمین زندگی دارد و مواردی را که زندگی او را تأمین کند و اسباب داخلی و راهنمای طبیعی را هم برای او انجام داده تا بتواند به حیات خود ادامه دهد و این رزاقیت عام خداوندی است که همه از آن بهره‌مندند و این کرم خداوندی است که همه از آن بهره‌ورند و اوست که حاجت هر نیازمندی را تأمین می‌کند، ولی خداوند برای بشر در رابطه با تحصیل این مواد که روزی او را تأمین می‌کند مقررات و احکامی را قرار داده است که اگر از آن راه مواد روزی را به دست آورد حلال و طیب است و اگر از غیر آن راه به دست آورد حرام و پلید است. این قسم روزی را روزی تشریحی گویند که در واقع همان روزی تکوینی است، ولی راه تحصیل آن متفاوت است.

ج) رزق کریم

در مواردی از قرآن کریم از بعضی از روزی‌ها به «رزق کریم» یاد شده است. علامه طباطبایی(ره) می‌نویسد:

خداوند از روزی کریم، بهشت و نعمت‌های بهشت را در مواردی از کلام خود اراده کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۹۰) مانند آیه شریفه «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دادند آمرزش و رزق کریم از آن ایشان است. (حج: ۵۰)

طبق بیان علامه معلوم می‌شود که منظور از رزق کریم، بهشت و نعمت‌های بهشتی است و جالب آنکه در عموم آیاتی که رزق کریم یاد شده، پیش از آن مغفرت آمده است. البته در دنیا نیز رزق کریم و غیر کریم می‌تواند مصداق داشته باشد، آن روزی‌یی که عزت و کرامت و شرافت و مناعت نفس آدمی را حفظ کند، رزق کریم است، اگرچه از کمیت و کیفیت بالایی برخوردار نباشد و آن روزی‌یی که با دنائت نفس و ذلت همراه باشد روزی پست است.

د) رزق حسن

بعضی از آیات قرآن رزق را به صفت «حسن» ستوده است، مانند آنچه که از شعیب پیامبر در گفتگو با قومش حکایت می‌کند: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا». (هود: ۸۸)

علامه طباطبایی ذیل آیه می‌فرماید: مراد از رزق حسن وحی و نبوت است که مشتمل بر اصول، معارف و شرایع است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۸۴)

در سوره نحل هم در دو مورد رزق حسن به کار رفته است؛ یکی در محصولات حلال مانند خرما و انگور (و مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ / نحل: ۶۷) و نیز در مورد کسی که به نعم الهی متنعم شده و هر گو نه انفاق را انجام می‌دهد: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ مَنْ رَزَقْنَاهُ مِثْرًا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا». (نحل: ۷۵)

در سوره حج از پاداش هجرت و شهادت به رزق حسن تعبیر شده است: «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». (حج: ۵۸)

در نتیجه از مجموع آیات می‌توان چنین بدست آورد که رزق حسن رزقی است که از هرگونه آلودگی و ناپاکی به دور است و از معنویت بالایی برخوردار است.

۶. علت تفاوت میان روزی‌ها

در قرآن به تفاوت روزی بعضی از انسان‌ها بر بعضی دیگر اشاره شده است، چنان که می‌فرماید: «وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَ فَبِعِزْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ»؛ خداوند به بعضی از شما نسبت به دیگران و سعت روزی داده و آنانی که و سعت روزی دارند حاضر نی‌ستند از آنچه در اختیار دارند به زیردستان خود بدهند تا آنها نیز با ایشان مساوی شوند، آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (نحل: ۷۱)

خداوند در این آیه می‌فرماید: حتی روزی شما به دست شما نیست. این خداوند است که بعضی را بر بعض دیگر برتری می‌دهد، ولی برتری‌یافتگان گاهی از انسان‌های تنگ‌نظری هستند و حاضر نیستند دیگران را در مال خود شریک سازند آیا ایجاد تفاوت با عدالت سازگار است؟ در پاسخ می‌توان گفت بدون شک اختلافاتی که در میان انسان‌ها از نظر بهره‌های مادی و درآمدها وجود دارد، قسمت مهم آن مربوط به تفاوت استعدادهای جسمانی و مادی آنها است که آن نیز از مواهب الهی است. ممکن است درباره برخی اکتسابی باشد و درباره برخی غیر اکتسابی؛ حتی در یک جا معه سالم نیز از نظر اقتصادی تفاوت وجود دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۳۱۴)

۷. روزی گشاده و روزی تنگ

در قرآن آیات متعددی است که مفاد آنها این است که خداوند روزی هر کس را که بخواهد گشاده می‌کند و روزی هر کس را بخواهد تنگ می‌گرداند، مانند:

– «اللَّهُ يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»؛ خداوند روزی هر کس را بخواهد گشاده می‌کند و یا تنگ می‌کند. (رعد: ۲۶)

- «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا»؛ پروردگار روزی گشاده می‌کند برای هر کس که بخواد هد و تنگ می‌گرداند برای هر کس که بخواد و تنگ می‌گرداند. او نسبت به بندگانش آگاه است و بیناست. (اسراء: ۳۰)

- «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ خداوند گشاده می‌کند روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواد و تنگ می‌گرداند روزی را برای هر کس که بخواد. (عنکبوت: ۶۲)

- «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ آیا آنها نمی‌دانند که خداوند روزی را برای هر کس بخواد گسترده و برای هر کس بخواد تنگ می‌سازد. (روم: ۳۶-۳۷)

علامه طباطبایی ذیل آیه اول می‌نویسد:

مراد این است که مردم نسبت به نعمت و نعمت که به آنها می‌رسد سطحی نگرند، هر گاه نعمتی را یافتند به آن شاد می‌گردند بدون اینکه بدانند آن نعمت با اراده حق تعالی به آنها رسیده و اگر مصیبتی را یافتند نا امید می‌گردند، گویا نمی‌دانند که مصیبت نیز به اذن خداوند به آنها رسیده و اگر او اذن دهد مصیبتی به انسان وارد نمی‌شود. ذیل آیه دوم می‌نویسد: این آیه خطای انسان را در مبادرت به شادی و ناامیدی را هنگام چشیدن رحمت و بر خوردن با مصیبت بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۴۷)

نکته

مطلبی را درباره فراخی و تنگی روزی نباید از نظر دور داشت و آن اینکه نقش خود انسان در فراخی و تنگی روزی مهم است. درست است که فراخی و تنگی روزی متوقف بر مشیت الهی است ولی نباید مشیت الهی را بدون حساب تلقی کرد، بلکه مشیت او از روی علم و حکمت است و تا محلی قابل فراخی یا تنگی روزی نباشد خداوند روزی او را فراخ یا تنگ نمی‌کند. در آیاتی که یاد شد اگر دقت شود بعد از آنکه می‌فرماید: خداست که روزی را برای هر کس بخواد زیاد یا تنگ می‌گرداند، در یک‌جا می‌فرماید: «انه كان بعباده خبيراً بصيراً»؛ پس این زیادی و تنگی روزی بندگان بر مبنای علم و حکمت خداوند است. (اسراء: ۳۰)

از طرف دیگر هم نباید فکر نمود که فراخی و تنگی روزی یک قضای حتمی و غیرقابل تغییر است، بلکه هر دو دگرگونی‌پذیر و قابل زوال است. در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند

قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردهشان [گریبان] آنان را گرفتیم. (اعراف: ۹۶)

در روایات اسلامی هم درباره اعمالی که روزی را وسعت می‌دهد و اعمالی که موجب فقر و تنگی روزی می‌شود، سخن زیاد به میان آمده است. مثلاً در کتاب سفینه البحار، حدود چهل عمل را یاد می‌کند که موجب وسعت در روزی است. مانند صله رحم، حسن رفتار با همسایه، تعقیب نماز صبح و عصر، صبح زود برای طلب روزی رفتن، با طهارت بودن، اجابت مؤذن، شکرگزاری نعمت، پرهیز از حرص و قسم دروغ، دائم‌الذکر بودن، مداومت بر نماز شب و غیره. (قمی، بی‌تا، ج: ۱: ۵۲۰-۵۱۹)

در نهج البلاغه آمده است: «الاستغفار تسبیحاً لدرور الرزق»؛ طلب آمرزش از خدا سبب ریزش و فراوانی روزی است. (خطبه ۱۴۳) و نیز فرموده: «استنزلوا الرزق بالصدقه»؛ به واسطه صدقه دادن طلب روزی کنید. (کلمات قصار ۱۳۷)

۸. گستره رزق خداوند

از نظر قرآن کریم ریزش باران از آسمان، پیدایش سبزه و نبات، ارقام و اقسام دانه و انواع میوه‌های گوناگون همه سرچشمه از حکمت الهی گرفته و دارای آیات و نشانه‌هایی از اوست. چنان که می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه رخت‌خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و نیز باغهایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگرید. قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست. (انعام: ۹۹)

چنان که در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِيهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است پرستش کنید باشد که به تقوا گزایید. همان خدایی که زمین را برای شما فرشی گسترده و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد، پس برای خدا همتایانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید. (بقره: ۲۲-۲۱)

و نیز فرموده: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ خدایی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را برافراشت و از آسمان باران نازل فرمود تا انواع میوه‌ها برای شما پدید آید و چون میدانید خدا بی‌مثل و مانند است برای او مثل و مانند و شریک قرار ندهید و حال آنکه شما می‌دانید. (بقره: ۲۲)

نظیر این آیه در سوره عنکبوت (آیه ۲۶)، فاطر (آیه ۳) و نمل (آیه ۶۴) نیز آمده است. بنابراین آنچه از این آیات استفاده می‌شود این است که در این جهان برای موجودات زنده متناسب نیاز آنها رزق و روزی وجود دارد و وجود رزق و روزی و آفرینش آن متناسب با نیاز موجودات دلالت بر وجود آفریدگار و مدبری حکیم و مهربان می‌نماید. اوست که روزی موجودات را با انواع گستردگی آن به تناسب زندگی و شئونشان تأمین می‌کند.

۹. رابطه سپاس و نبود آن در گسترش و تنگنای روزی

قطعاً میان شکرگزاری نعمت‌های خداوند و افزایش آن ارتباط تنگاتنگ وجود دارد که هر گونه حمد و سپاس از نعمت‌های الهی باعث افزایش آنها خواهد شد و هر گونه ناسپاسی و کفران نعمت، زوال نعمت‌های الهی را در پی خواهد داشت چنان که آیات شریفه می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لِسَيِّئَةِ رَبِّكَ فِي مَسْئَلِهِمْ آيَةٌ جِئْتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةَ طَيِّبَةً وَرَبِّ غَفُورٌ»؛ قطعاً برای مردم سبا در محل سکونتشان نشانه رحمتی بود دو باغستان از راست و چپ به آنان گفتیم از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید شهری است خوش و خدایی آمرزنده. (سبا: ۱۵)

و نیز می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ حقیقت کسانی را که جز خدا می‌پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند پس روزی را پیش خدا بجویید و او را بپرستید و وی را سپاس گوید که به سوی او بازگردانیده می‌شوید. (عنکبوت: ۱۷)

چنان که در آیه اول خداوند سر نوشت درد ناک قوم سبا را بیان می‌کند که از انواع نعمت‌های الهی برخوردار بودند اما در مقابل به ناسپاسی و گردن‌کشی روی آوردند و اما خداوند نیز آنها را مبتلا به عذاب نموده و نعمت‌هایش را از آنها گرفت، در آیه دوم نیز بیان حال مشرکینی را نموده که غیر خدا را پرستش نموده و رزق و روزی را از غیر خدا می‌جویند و حال آنکه افزایش روزی تنها با پرستش خداوند و شکرگزاری نعمت‌هایش امکان‌پذیر است.

۱۰. گشایش روزی و ارتباط آن با پرهیزگاری

یکی از راه‌های افزایش رزق و روزی تقوی و پرهیزگاری است، چنان که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم. (اعراف: ۹۶)

و نیز می‌فرماید: «وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ و هر کس از خدا پروا کند خدا برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند. (طلاق: ۲ و ۳)

۱۱. انفاق و گسترش روزی

یکی از راه‌های گسترش روزی انفاق و بخشش است که این از ویژگی پرهیزگاران و مؤمنین واقعی شمرده شده است. چنان که اشاره می‌کند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (بقره: ۳)

و نیز می‌فرماید: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حقاً مؤمن‌اند؛ برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود. (انفال: ۴-۳)

بنابر این مؤمنین واقعی کسانی هستند که علاوه بر اینکه ارتباط با خدا دارند اقامه نماز می‌کنند و با بندگان خدا از طریق انفاق ارتباط دارند که این خود از عوامل افزایش رزق و روزی است.

۱۲. تنگی روزی و طغیان مردم

از طرف دیگر در فرهنگ قرآنی طغیان و سرکشی از عوامل تنگی روزی بر شمرده شده است: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن نُّزِّلَ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»؛ و اگر خدا روزی را بر بندگان فراخ گرداند مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند لیکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرو می‌فرستد. به راستی که او به [حال] بندگان آگاه بینا است. (شوری: ۲۷)

و نیز می‌فرماید: «كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»؛ از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید ولی

در آن زیاده‌روی مکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرو آید قطعاً در ورطه هلاکت افتاده است. (طه: ۸۱)

۱۳. بخل و کاهش روزی

در بعضی از آیات قرآن از صفت مذموم بخل به عنوان یک مانع در مقابل بذل و بخشش سخن به میان آمده است، چنان که می‌فرماید: «فَلَمَّا آتَاهُم مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ». (توبه: ۷۶)

نیز می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا». (نساء: ۷۷)

از مطالب مذکور می‌توان چنین به دست آورد که یکی از عوامل کاهش روزی، بخل در انفاق است.

۱۴. سعی و تلاش و افزایش روزی

یکی از راه‌های افزایش روزی سعی و تلاش است؛ البته سعی و تلاش در هر امری مطلوب و پسندیده است که یکی از آنها در امر به دست آوردن روزی است. چنان که می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. (نجم: ۳۹)

و نیز می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقْكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ بگو کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد بگو خدا و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم. (سبا: ۲۴)

۷۷

نتیجه

از مطالب مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که واژه روزی، ریشه در زبان فارسی دارد که به معنی خوراک روزانه آمده است. در زبان عربی معادل آن واژه رزق است. در اصطلاح علم کلام به هر شیئی که قابل بهره‌برداری باشد و منع را قبول نکند استعمال شده است و یکی از براهین که در قرآن کریم به آن استدلال شده برهان رازقیت خداوند است که افاضه نعمتها فقط از جانب اوست که ملازم با خالقیت خداوند نیز می‌باشد. در ادامه به انواع رزق خداوندی مثل رزق حلال و حرام، تکوینی و تشریحی، رزق حسن و رزق کریم مطالبی آورده شد و سپس به عوامل افزایش روزی مانند تقوی و پرهیزگاری، بذل و انفاق در راه خدا، سعی و تلاش و... در به دست آوردن روزی اشاره شد. در نقطه مقابل به عوامل کاهش روزی مانند طغیان و سرکشی و بخل در انفاق نیز اشاره شد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)
- جرجانی، سید شریف علی بن محمد (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، ج ۱، قم: انتشارات شریف رضی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷ش)، *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵ش)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت: دار الاضواء.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قمی، عباس (بی تا)، *سفینة البحار*، قم: نشر اسوه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۵۷ق) *ف بحار الانوار*، ج ۱، بیروت: دار الاحیاء تراث العربی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۷۳)، *المسلك فی اصول الدین*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.